

## آشنایی با ایمان گلیسما ۱ / ۱

### خدا کیست؟



«خداوند، خدای ما، خدای واحد است» (تثنیه ۴:۶).  
«ای خداوند [...] قلب مرا واحد ساز تا نام تو را بشناسم  
(مزمور ۸۶: ۱۱).  
«خدا را هرگز کسی ندیده است. پسر یگانه ای که در آغوش  
پدر است، همان او را ظاهر کرد» (یوحنا ۱: ۱۸).

### آن چه بعضی ها می گویند . . .

\* **خدا وجود ندارد** : ... به جز در فکر مردمان ضعیف و ترسو که برای احساس امنیت کردن، او را اختراع نموده اند.  
انسان پادشاه آفرینش است. او خودکفاست... چیزی بالاتر از او نیست.  
\* **نمی توانم بفهمم**: شنیدم که خدا واحد است و نیز شنیدم خدا محبت است پس اگر واحد است چرا و چه کسی  
را محبت می کند؟

\* **کسی نمی داند**: ... سراسر راز است... میل به ابدیت و عطش بی نهایت در عمق وجود هر کس مخفی است.

\* **آری، کسی مافوق ما وجود دارد: و آن خداست.**

آسمان و زمین به خودی خود به وجود نیامده اند. خدا آنها و هم چنین ما را آفریده است و ما از آن او هستیم. قادر  
مطلق، یگانه و خیلی مهربان است، ما او را به هنگام خطر به کمک می طلبیم.  
او انسان ها را به توسط پیامبران راهنمایی می کند. در روز داوری، نیکی ها را پاداش خواهد داد و بدی ها را  
مجازات خواهد کرد.  
ما بزرگی او را قبول داریم، به او نیایش می کنیم و سپاسش می گوئیم و از او طلب بخشش می نماییم، ولی راز او  
ناشناختی است.

### آن چه مسیحیان می گویند . . .

۱- **مسیحیان به خدای یگانه، قادر مطلق، خالق آسمان و زمین و چیزهای دیدنی و نادیدنی  
ایمان دارند.**

این ایمان، اساس زندگی آنهاست، از این جهت، در تمام کسانی که به **خدای یگانه** ایمان دارند، مشترک است.  
اما در واقع مسیحیان طبق آیین و ایمانشان به خدای یکتا، که پدر پرتوان است ایمان دارند. و برخلاف بنده که از  
ارباب خود می ترسد ایشان از خدای پرتوان نمی هراسند. چون او پر از محبت است.

\* **طی قرن ها، پیامبران به خاطر پرستش بت ها که در همه جا رواج داشت به یگانگی خدا تأکید می کرده اند.**  
عیسا نیز وقتی اعلام می کند که انسان نمی تواند در عین حال خدا و پول را بپرستد، یا وقتی با میل به

خوشگذرانی، قدرت طلبی، شهرت طلبی و... که همه ی این ها بت قلب انسان است که با آنها مبارزه می کند، در مسیر پیامبران پیشین گام بر می دارد.

\* ولی عیسا فراتر می رود. خدا را بالحنی جدی، پدر خود می نامد. او، با علم به این که فروتن و متعادل بود، ولی خود را از ازل با خدا «واحد» می داند، نه به مانند خدای دومی در کنار خدا، و نه انسانی الهی شده. لیکن او تأکید می کند که از ازل، در کنار پدرش (مانند کلام او، سخن او، چنان که انجیل یوحنا ی قدیس می گوید) وجود داشته است و پدر او را نزد ما فرستاده که چون انسان شده، انسانیت ما را به عهده گرفته، و به ما حیات جدید خود را بدهد و ما را با موهبت روح القدس، روح خدا، نجات بخشد.

اقتدار او، معجزات او نشان دادند که او از جانب خدا آمده و مخصوصاً رستاخیز وی نیز این حقیقت را تأیید می کند.

۲ - از زمان عیسا، مسیحیان به او وفا دارند و ایمان دارند که خدا، پدر، پسر و روح القدس است.

\* با وجود این، او یک خدای واحد است. و اگر خدا مثل انسان ها باشد راز خدای واحد و راز تثلیث قابل قبول نیست. سه انسان هرگز یکی نخواهند بود چون آنها کامل نیستند، آنها تغییر می کنند و متحدترین آنها، همیشه امکان دارد جدا بشود و به تضاد برسد. ولی خدا مثل انسان ها نیست و عظمتش از حد تصور انسان بیشتر است.

\* نیروی او فقط قدرت مطلق نیست، بلکه کمالی سرشار و بدون خودخواهی است. خدا یکتا نیست، به این معنی که گویی تنها و مجزا باشد و خطرناک مثل یک پادشاه جبار و ظالم که از او بترسیم و بگریزیم. شخص تنها و منزوی، مردنی است اما محبت در حرکت مشترک و متقابل می باشد بنابراین، خدا زنده و زندگی بخش است.

خدا محبت است نه چون ما را محبت می کند چون در این صورت خدا به ما احتیاج دارد بلکه خدا از ازل و قبل از آفرینش هم یکی و هم محبت است، همان طور که یوحنا بعد از تعمق بر راز عیسا ی مسیح اعلام کرد (اول یوحنا ۴:۸).

در خدا چیزی هست که ما محبت می نامیم محبتی قوی، شفاف، دوجانبه، عطای کامل خود. این کمال، واحد و غیرمنقسم است. در دنیای زمینی گاهی درباره ی دو یا سه نفر که با هم اتحاد دارند می گویند که «آنها یک دل و یک جان دارند».

ولی در خدا این یک حقیقت مطلق است: پدر، پسر، و روح القدس یک خدای واحد هستند. مسیحیان می گویند که خدا تثلیث است.

این ایمان، در زندگی روزمره، نتایج بی حسابی دارد.

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند . . .

روح القدس که در آنها سکن گزیده، رفته رفته آنها را متحول می کند (ر.ک مزمور ۸۶:۱۱).

ایمان به خدادر تمام زندگی، نیایش و عمل ایشان را الهام می بخشد.

## ۱- نیایش

اگر واقعاً مطابق ایمان‌شان زندگی کنند، اعتماد بسیار زیادشان باید همیشه با احترامی عمیق همراه باشد. همان‌طور که عیسا به ایشان تعلیم داده، مسیحیان دعا می‌کنند:

«ای پدر ما که در آسمانی،  
تقدیس شود نام تو  
بیاید فرمانروایی تو  
روان باد خواست تو  
روی زمین چنان که در آسمان است.  
آن نان روزانه ما را، امروز به ما ده  
ببخشای گناهان ما را  
چنان که ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را  
و ما را در وسوسه میاور  
بلکه ما را از شریررهایی ده  
زیرا فرمانروایی و قدرت و جلال  
تا به ابد از آن توست.» (متی ۶: ۹-۱۳).

## ۲- عمل

عیسا با تعلیم این نیایش به مسیحیان، قلب فرزندی در او که یکتا پسر هست می‌دهد و دعوت می‌کند که به پدر زمینی خود اگر توسط رفتارش زخمی شدند ببخشایند که بتوانند خدا را پدر خود بدانند و هم چنین دعوت می‌کند که چگونه نسبت به فرزندان خود پدری پر از محبت شوند و همچنین قلب برادری را نیز عطا می‌کند.

و محبت برادری، هم چنین که محبت خدا، بزرگترین فرمان است. «اگر... کسی گوید که خدا را محبت می‌نمایم و از برادر خود نفرت کند، دروغگو است» (اول یوحنا ۴: ۲۰).

«از این می‌دانیم که فرزندان خدا را محبت می‌نماییم چون خدا را محبت می‌نماییم و فرامین او را به جا می‌آوریم» (اول یوحنا ۵: ۲).

با وفاداری نسبت به این محبت دوگانه و به دلیل ایمان داشتن به خدای یگانه، و نیز به دلیل این که هر نوع بت پرستی را رد کردند، عده‌ی زیادی از مسیحیان به شهادت رسیدند.

## کلام کتاب مقدس

کمی قبل از مرگ، عیسا به شاگردان گفت: «اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آن چه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد» (یوحنا ۱۴: ۲۶).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

برای مطالعه عمیق تر:

\* حضور خدا

\* وفاداری خدا

\* راز تثلیث اقدس

\* «خدای زنده» بخش ۲ فصل ۲: تعمید عیسی

بخش ۲ فصل ۳: تجلی عیسی

چگونه عمیق تر دعا کنیم:

### خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید؟

خدا کیست که این قدر ما را محبت می کند ، ای بنی آدم ؟  
خدا کیست که خودش به صورت مساوی با ما  
عهد عشق و محبت می بندد ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که برای پیدا کردنش  
قلب فقیر لازم است ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که با ما همسفر شده  
در طریق ما قدم می زند ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که بدون تنفر بر سفره ما می نشیند ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که هیچ کس نمی تواند او را محبت کند  
مگر این که انسان را محبت کند ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که می توان او را عمیقاً زخمی کرد  
با زخمی کردن انسان ها ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که به دست انسان  
خود را تسلیم کند ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که مثل مادری  
بر بدی ما گریه می کند ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که با ما خوشی و پادشاهی خود را تقسیم می کند ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست که تن ما را  
تا جلال خود دعوت می کند ؟  
خدا کیست که این قدر ما را محبت می نماید ؟  
خدا کیست ؟ آیا محبت اسم او